



گفت‌وگو با حیدرعلی حزباوی، شاعر نماهنگ «سلسله‌الذهب»

ابراز ارادت عرب‌های ایران به حضرت آفتاب

حزباوی ضمن تشکر از همکاری دوستان خود در اجرای این نماهنگ تصریح کرد: «این نماهنگ با حمایت و پشتیبانی حوزه هنری استان خوزستان به نتیجه رسید و اگر حوزه هنری از این کار پشتیبانی نمی‌کرد قطعاً به این شکل و شمایل در نمی‌آمد.»

از آنجا که حزباوی از سن ۱۴ سالگی سرایش شعر عربی را شروع کرده و با توجه به اینکه پدر و برادر بزرگ‌تر از او در زمینه شعر عربی فعالیت داشتند، این امر باعث تقویت شعر عربی وی و پیشرفت او در این زمینه شد.

حزباوی در این باره می‌گوید: «مینه اصلی سرایش شعر من زبان عربی است، قطعاً شعر فارسی از شعر عربی متأثر است. از سن ۱۶ سالگی نوشتن شعر فارسی را شروع کردم و در حالی که خانواده ما در سرایش شعر فارسی سابقه نداشت، سعی کردم با شناخت نسبی که از اوزان، قافیه و چارچوب اصلی شعر داشتم، شعر فارسی را از همان سن شروع کنم که این کار خیلی نیاز به اصلاح و آموزش داشت. جهت رفع این اشکال با استادان شعر فارسی در دانشگاه ارتباط برقرار کردم و چون

دغدغه شخصی‌ام بود در جلسات شعر سپید دانشگاه نیز شرکت کردم و مدتی بعد متوجه شدم رغبت چندانی به شعر سپید ندارم.»

وی افزود: «چندی بعد با دعوت یکی از دوستان ادبی به جلسات شعر انجمن شعر آفتاب با دبیری دکتر حامد صافی رفتم، به تأثیر گذاشت.»

شاعر حزباوی بیشتر در قالب کلاسیک است. علاوه بر این قالب کلاسیک و سنتی، در زمینه‌های دیگری چون شعر ترانه یا شعر نوحه ورود داشت و با توجه به علاقه او به سبک عراقی و هندی در شعر فارسی اغلب شعاری که می‌نویسد به این دو سبک نزدیک است. حزباوی تصریح کرد: «سرایش شعر آیینی پیش‌زمینه مبارکی برای من بود و به اعتقاد بنده اگر لطف اهل بیت (ع) شامل حال من نمی‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد. شعر آیینی شعری است که دارای ارزش‌های اخلاقی باشد و چون دین مبین اسلام خیلی به ارزش‌های اخلاقی پرداخته و آن را ارزشمند می‌داند، پس شعر آیینی یک اثر هنری-ادبی و فقط یک شعر دارای آریه‌های ادبی و زیبا با رده

دغدغه شخصی‌ام بود در جلسات شعر سپید دانشگاه نیز شرکت کردم و مدتی بعد متوجه شدم رغبت چندانی به شعر سپید ندارم.»

وی افزود: «چندی بعد با دعوت یکی از دوستان ادبی به جلسات شعر انجمن شعر آفتاب با دبیری دکتر حامد صافی رفتم، به تأثیر گذاشت.»

شاعر حزباوی بیشتر در قالب کلاسیک است. علاوه بر این قالب کلاسیک و سنتی، در زمینه‌های دیگری چون شعر ترانه یا شعر نوحه ورود داشت و با توجه به علاقه او به سبک عراقی و هندی در شعر فارسی اغلب شعاری که می‌نویسد به این دو سبک نزدیک است. حزباوی تصریح کرد: «سرایش شعر آیینی پیش‌زمینه مبارکی برای من بود و به اعتقاد بنده اگر لطف اهل بیت (ع) شامل حال من نمی‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد. شعر آیینی شعری است که دارای ارزش‌های اخلاقی باشد و چون دین مبین اسلام خیلی به ارزش‌های اخلاقی پرداخته و آن را ارزشمند می‌داند، پس شعر آیینی یک اثر هنری-ادبی و فقط یک شعر دارای آریه‌های ادبی و زیبا با رده



درباره رمان «میلیشیا»

قصه مغزهای شسته‌شده

می‌کنند، یک تجدید خاطره است. قصه «عطا» شخصیت اصلی کتاب به گونه‌ای جذاب و گیرا بیان شده است که تا پایان کتاب، مخاطب را همراه می‌سازد. رضانی، حین قصه از نمادها و نشانه‌هایی استفاده کرده است که فضای جامعه در آن سال‌ها را خواننده به خوبی درک می‌کند. گاهی تغییرات در شخصیت‌های قصه ناگهانی اتفاق می‌افتد که این مسئله شاید به چشم خواننده خوش نیاید و نیاز به پرورش بیشتری داشته باشد اما در نهایت درک همه اتفاقات در برای او راحت‌تر می‌کند.

میلیشیا در لغت به معنی نیروی شبه‌نظامی است، اما در رمان مریم رضانی این عنوان به ماجرای جذب نیرو توسط گروهک منافقین تعلق دارد. نویسنده کتاب در تلاش است باورها و خط مشی این گروهک در آن سال‌ها را به نمایش بگذارد و اینکه چگونه مغز افراد را محاصره و شخصیت آنها را تغییر می‌دادند، نشان دهد.

رمان «میلیشیا» به قلم مریم رضانی که از هنرچیان کارگه‌های داستان‌نویسی مرحوم

«من نویسنده‌ام، نه کور می‌کنم، نه شفا میدم، کارم قضاوت کردن و نمره دادن به آدم‌ها نیست. قصه تو هر چی می‌خواد باشه، باشه. من به چشم کار بهش نگاه می‌کنم. هنرمند اثرش رو خلق می‌کنه و به زامایش می‌ذاره.»

مریم رضانی در اثر جدیدش به نام «میلیشیا» نخواست است صاف و پوست‌کنده قضایاتی نسبت به ماجراهای رخ داده در دهه ۶۰ به خوانندگان کتابش بدهد. قصه‌ای که ما با آن مواجه هستیم از یک ماجرای احساسی آغاز می‌شود و سپس یک دوره‌ای از تاریخ سرزمین‌مان را روایت می‌کند که خیلی هم دور نیست. شست‌وشوهای مغزی و جنایت‌هایی که منافقین در دهه ۶۰ در کشورمان مرتکب شده‌اند برای مردم ما زخمی کهنه است که هنوز آثارش به جا مانده است. این قصه برای نسل جوان که شاید اطلاعات زیادی از آن ماجراها نداشته باشند، تصویری نزدیک به واقعیت ایجاد می‌کند و برای کسانی که جای زخم‌های کهنه منافقین را هنوز حس

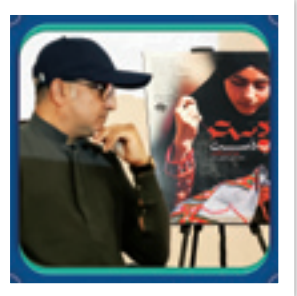
محمد محمدزاده محبت میان ایرانیان و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) محدود به هیچ قومیت و گروهی نیست. تمام ایرانیان از کودکی با حضرت رضا (ع) انس و الفت دارند و حضور معنوی ایشان را در زندگی خود احساس می‌کنند، شاید برای همین است که جسم و گستره آثار هنری ماندگار با محوریت امام هشتم در دایره هنر و ادبیات ایرانی بسیار چشمگیر است. در ماه ذی‌القعده سال جاری و دهه کرامت، مردم شریف استان خوزستان با یک نماهنگ متفاوت به استقبال ایام میلاد امام‌رضاع (ع) و روز زیارتی مخصوص ایشان رفتند. نماهنگ «سلسله‌الذهب» با مشارکت حوزه هنری استان خوزستان، ابراز ارادت ویژه از عرب‌های ایرانی خطاب می‌خوانید، گفت‌وگویی با «حیدرعلی حزباوی» شاعر این نماهنگ است.

حیدرعلی حزباوی، مداح و شاعر اهوازی در یک کودکی قرائت قرآن را شروع و از سن ۱۶ سالگی استعداد خود را در زمینه مداحی و شعرخوانی به صورت حرفه‌ای دنبال کرد. از آنجا که حزباوی بیشتر شاعر آیینی است، بیشتر اشعارش را خطاب به اهل بیت (ع) به زبان عربی فصیح می‌سراید. او درباره شعر نماهنگ «سلسله‌الذهب» می‌گوید: «تقریباً از دو ماه پیش به یاد و ذکر امام‌رضاع (ع) با دل‌تنگی در ذهن من کلید خورد و به نام «سلسله‌الذهب» به صورت نماهنگ بیرون آمد.»

وی با اشاره به هدف از اجرای نماهنگ «سلسله‌الذهب» افزود: «بیهیمی که بنده از اجرای این نماهنگ دارم این است که ما ایرانی‌ها راه ویژه‌ای به امام‌رضاع (ع) داریم چون که ایشان در همین مرز و بوم حضور دارند. خطاب بنده به تمام ایرانی‌ها این است که هر حاجتی داشته باشند ابتدا با امام‌رضاع (ع) در میان بگذارند، قطعاً دست‌خالی بر نمی‌گردند، زیرا امام‌رضاع (ع) ولی نعمت همه مسلمین و شیعیان جهان هستند.»

مستند

گفت‌وگویی با کارگردان یک مستند محله‌محور هویت بخشی با «دست‌به‌دست»



احساس کردم نشان دادن بخش سوزن‌دوزی و توانمندی زنان و دختران بلوچ ایرانشهر در این هنر، به خصوص محله اسداباد می‌تواند به هویت و توسعه منطقه در آینده کمک کند. در فیلم‌ها حین پرداختن به این هنر می‌توانستم به مسائل و مشکلات منطقه هم تاحدی بپردازم، برای همین به تمرکز فیلم را روی سوزن‌دوزی، یادگار مهتاب نوروزی و سه نسل زنان و دختران بلوچ که با این هنر توانسته‌اند افتخارات ملی و جهانی کسب کنند و باعث کارآفرینی شوند، گذاشتم.»

وی در این باره می‌افزاید: «ما با گوش دادن به حرف‌های مردم محلی توانستیم به برخی شخصیت‌ها تا حدودی نزدیک شویم و پای

سال ۱۴۰۱ دومین سال تجربه «طرح هویت محلات» در حوزه هنری استان سیستان و بلوچستان بود. هدف از این طرح، معرفی آداب، رسوم و هنر بخش‌های مختلف استان به مردم نقاط مختلف کشور و همچنین ایجاد هویت مشترک و انگیزه‌بخش، در مردم بخش‌های مختلف استان است. حوزه هنری در اجرای این طرح نگاه جدی به تولید محصولات کیفی در حوزه مستند داشته است، به همین منظور حوزه هنری استان، از هنرمندان برجسته و موفق برای تولید چندین مستند هویتی در محلات کم‌برخوردار دعوت به عمل آورد. تلاش حوزه این بود که در طرح هویت‌بخشی، هنرمندانی را دعوت به فیلمسازی مستند کند که به لحاظ کیفی دارای نگاهی نو و چشم‌اندازی وسیع هستند. یکی از مستندهایی که به همین نگاه تولید شد مستندی به نام «دست‌به‌دست» است. این مستند به کارگردانی محمدعلی رخشانی‌صابر از مستندسازان بومی استان سیستان و بلوچستان با چندین تجربه ملی و بین‌المللی تولید شده است. محمدعلی رخشانی‌صابر خود به واسطه تعلقش به قوم بلوچ‌ها از همان ابتدا نسبت به این پروژه بسیار دقیق و دغدغه‌مند بود تا بخشی از هویت در استان و مخصوصاً منطقه بلوچستان را



صحت‌ها و دغدغه‌های‌شان شنیدیم، با این کار تلاش کردیم تلفیقی از نسل‌های مختلف زنان بلوچ فعال در زمینه صنعت سوزن‌دوزی ایجاد کنیم که هر کدام به نوبه خود برای الابدردن سطح کیفی هنرشان در تلاش هستند. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در مستند دست‌به‌دست دنبال می‌شود شناخت جامعه بلوچ خصوصاً بانوان آن است.»

کلام آخر او: «فیلم‌های مستند در کل جای خودشان را هر روز بیش از پیش در دل مردم بازی می‌کنند، زیرا به شکل واقع‌گرایانه به مسائل، مشکلات و استعداد‌های بلقوه مردم می‌پردازند. شاید با دیده شدن همین فیلم‌ها توسط مسئولان برای از روی مشکلات مردم این نواحی برداشته شود یا استعداد و هنر آنها بهتر دیده شود و امکانات رشدشان سیستان و بلوچستان بوده است.»

او درباره مستند دست‌به‌دست توضیح می‌دهد: «ابتدا حوزه هنری استان سفارش کاری را داد که محوریت آن بحث هویت‌بخشی است که دو سال است در حوزه پیگیری می‌شود، باشد. این برای خود من نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های فیلمسازی است. دوست دارم هویت و اصالت مردم کم‌ریشه در تمدن و فرهنگ و هنر ایران دارم، بیشتر شناخته شود، زیرا معتقدم از دل همین هویت است که رشد و توسعه فیلمسازی اتفاق می‌افتد.»

رخشانی‌صابر درباره روند ساخت این مستند اضافه می‌کند: «سعی کردم ابتدا در تحقیقات میدانی سراغ محله‌ها و مردم بروم و داشته‌ها و نداشته‌های‌شان را بررسی کنم. در این مرحله، به طبع شما با کمبودها، فقر و مسائل عمرانی منطقه مواجه خواهید شد، ولی در دل کار

بازشناسی و بازسازی نماید. دست‌به‌دست با این برداشتن به موضوع هنر سوزن‌دوزی در میان زنان بلوچستان و گریزی به زندگی روزگاری چون مهتاب نوروزی (از مشاهیر سوزن‌دوزی استان و شهرستان ایرانشهر) سعی در بازنگری و ترسیم چهره و هویت محلی در محله و در سطح کلان تر دارد.

رخشانی‌صابر درباره سابقه فیلمسازی خود می‌گوید: «حدود ۲۰ سال است در حوزه فیلم مستند فعالیت دارم. پیوسته گفتم تهیه‌کنندگی و کارگردانی حرفه من است. لیسانس فیلمسازی دارم و دارای درجه ۲ هنری از وزارت ارشاد هستم. عمده فعالیت‌های من فیلم‌هایی در زمینه انسان‌شناسی، قوم‌شناسی و موضوعات شاعرانه در استان سیستان و بلوچستان بوده است.»

او درباره مستند دست‌به‌دست توضیح می‌دهد: «ابتدا حوزه هنری استان سفارش کاری را داد که محوریت آن بحث هویت‌بخشی است که دو سال است در حوزه پیگیری می‌شود، باشد. این برای خود من نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های فیلمسازی است. دوست دارم هویت و اصالت مردم کم‌ریشه در تمدن و فرهنگ و هنر ایران دارم، بیشتر شناخته شود، زیرا معتقدم از دل همین هویت است که رشد و توسعه فیلمسازی اتفاق می‌افتد.»

رخشانی‌صابر درباره روند ساخت این مستند اضافه می‌کند: «سعی کردم ابتدا در تحقیقات میدانی سراغ محله‌ها و مردم بروم و داشته‌ها و نداشته‌های‌شان را بررسی کنم. در این مرحله، به طبع شما با کمبودها، فقر و مسائل عمرانی منطقه مواجه خواهید شد، ولی در دل کار

ادبیات



میلیشیا در لغت به معنی نیروی شبه‌نظامی است، اما در رمان مریم رضانی این عنوان به ماجرای جذب نیرو توسط گروهک منافقین تعلق دارد. نویسنده کتاب در تلاش است باورها و خط مشی این گروهک در آن سال‌ها را به نمایش بگذارد و اینکه چگونه مغز افراد را محاصره و شخصیت آنها را تغییر می‌دادند، نشان دهد.

رمان «میلیشیا» به قلم مریم رضانی که از هنرچیان کارگه‌های داستان‌نویسی مرحوم

